

Critical analysis of the novel *Ashkaneh* based on Fairclough's theory*

Aram Rahimian

PhD student of Persian language and literature at Shahid Beheshti University

Dr. Maryam Mosharraffolmolk¹

Professor of Persian language and literature, Shahid Beheshti University

Dr. Ahmad Khatami

Professor of Persian language and literature, Shahid Beheshti University

Abstract

Since the beginning of the Iran-Iraq war, three generations of writers have written novels on the resistance. In these novels, in line with the changes that have taken place in the social, cultural and political arenas of the society, one can observe a gradual transformation and the emergence of new types of discourse. Ebrahim Hasanbeigi's novel *Ashkaneh* is one of the works in the resistance literature written during two decades after the war with an almost different approach compared to previous works. An important theme highlighted in this work is the transformation in macro-structures and ideals after the war. Through a descriptive-analytical method, this study seeks to examine the discourse in the novel *Ashkaneh* based on Fairclough's critical approach and to answer the question 'Does the discourse of the story serve to maintain the ideological power relations in the layers of the social structure or does it aim to weaken and transform it?'. The findings of the research indicate that the author of the novel presents the developments caused by the dominance of construction discourse at the social, cultural and economic levels of the post-war society and highlights the changes that have occurred in the identity of this period. Thereby, it criticizes the semantic system that dominates the era of construction and weakens the existing power relations in the layers of the social structure in this period.

Keywords: *Ashkaneh* novel, Ebrahim Hasanbeigi, Resistance literature, Critical analysis of Fairclough's discourse, Constructivist discourse.

* Date of receiving: 2022/3/27

Date of final accepting: 2022/12/5

1 - email of responsible writer: m-mosharraff@sbu.ac.ir

فصلنامه علمی کاوش نامه زبان و ادبیات فارسی

سال بیست و چهارم، بهار ۱۴۰۲، شماره ۵۶، صفحات ۴۳-۹

DOI: [10.29252/KAVOSH.2022.17865.3226](https://doi.org/10.29252/KAVOSH.2022.17865.3226)

DOR: [20.1001.1.2645453.1402.24.56.1.1](https://doi.org/20.1001.1.2645453.1402.24.56.1.1)

تحلیل انتقادی رمان اشکانه (بر اساس نظریه فرکلاف) *

(مقاله پژوهشی)

آرام رحیمیان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر مریم مشرف‌الملک^۱

دکتر احمد خاتمی

استادان زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

از آغاز جنگ ایران و عراق، سه نسل از نویسندگان در وادی رمان پایداری قلم زده‌اند. در این رمان‌ها، همسو با تغییراتی که در فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جامعه صورت گرفته است، شاهد تحول تدریجی و پیدایش گفتمان‌های تازه‌ای هستیم. رمان «اشکانه»، از ابراهیم حسن‌بیگی، از جمله رمان‌های حوزه پایداری است که با رویکردی تقریباً متفاوت نسبت به آثار پیشین، در دو دهه پس از جنگ به نگارش درآمده است. یکی از مهم‌ترین مضامینی که در این اثر برجستگی یافته، دگرپرسی در ساختار کلان و آرمان‌های پس از دوران جنگ است.

این جستار در پی آن است که با بازخوانش رمان اشکانه در قالب رویکرد انتقادی فرکلاف (Fairclough)، به شیوه تحلیلی - توصیفی، گفتمان‌های موجود در آن را در معرض کاوش قرار دهد و پاسخگوی این پرسش باشد که آیا گفتمان حاکم بر فضای داستان، در خدمت حفظ روابط قدرت ایدئولوژیک در لایه‌های ساختار اجتماعی صورت‌بندی شده یا در جهت تضعیف و دگرگونی آن است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که نویسنده رمان اشکانه با بازنمایی تحولات ناشی از سلطه گفتمان سازندگی در سطوح اجتماعی-فرهنگی-اقتصادی جامعه پس از جنگ و برجسته‌سازی چرخش‌های ایجادشده در عرصه چشم‌اندازهای هویتی این دوره، درصدد انتقاد از نظام معنایی مسلط بر دوران سازندگی و تضعیف روابط قدرت موجود در لایه‌های ساختار اجتماعی این دوره برآمده است.

واژه‌های کلیدی: رمان اشکانه، ابراهیم حسن‌بیگی، ادبیات پایداری، تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف، گفتمان سازندگی.

* تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۱/۰۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴

^۱ - نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: m-mosharraf@sbu.ac.ir

۱- مقدمه

جنگ عراق با ایران از جمله رویدادهای تاریخی است که تأثیر بنیادینی بر تمام ابعاد جامعه ایران از جمله بر ادبیات نهاد. در نتیجه این تأثیرات، گونه جدیدی با نام ادبیات پایداری در ژانرهای مختلف از جمله «رمان» ظهور یافت. در طول دوره جنگ تحت تأثیر فضای سیاسی و اجتماعی و تداوم تهدیدات دشمن، بخش عمده‌ای از رمان‌های پایداری از نظر مضمونی در جهت تقویت «مای» جمعی در برابر «دیگری» متخاصم، حرکت می‌کرد. در این دوره، نویسندگانی که از جنگ نوشتند، برداشت اخلاقی-عقیدتی از ادبیات را تداوم بخشیدند و نیز وظیفه تحکیم ایمان را به ادبیات افزودند. این نویسندگان همچنین ادبیات را به خدمت سیاست گماشتند (میرعابدینی، ۱۳۹۶، ج ۳ و ۴: ۹۳۱).

روایت این دسته از نویسندگان، تحکیم و بازتولید همان گزاره‌هایی بود که گفتمان هژمونیک آنها را به صورت باور متعارف درآورده است. «تشویق و برانگیختن جامعه به دفاع، مقاومت و مبارزه همه‌سویه با تجاوز و تجاوزگر، ستایش مجاهدان جبهه و پشت جبهه، دعوت به وحدت و پرهیز از تفرقه، ستایش و تکریم شهیدان و جانبازان، بهره‌گیری از نمادهای دینی، آیات و روایات، تخطئه و تحقیر اشرافیت، بی‌تفاوتی و دنیازدگی، طرح اسوه‌ها و الگوهای تاریخ اسلام، بهره‌گیری از اساطیر، پیوند دین، مردم و ایران، ستایش امام خمینی و پیروی از وی، امید به آینده و پیروزی، توصیف فضای معنوی جبهه‌ها، توصیف عناصر رزم و جبهه» از جمله مضامین رایج در آثار پایداری دوره جنگ است (سنگری، ۱۳۸۹: ۲۸-۳۲).

البته، در همین بازه زمانی، در کنار تولید رمان‌هایی از این دست که به حاملان نظام گفتاری گفتمان مسلط مبدل شده‌اند، خلق آثاری با ساختار ایدئولوژیکی متنوع در انتقاد از ساختار سیاسی و فرهنگی حاکم، تقبیح جنگ و گوشزدکردن آسیب‌های همه‌جانبه آن را نیز شاهد هستیم. با اتمام جنگ هشت‌ساله، با توجه به این‌که تعامل جامعه و

کنشگران آن همچنان با فضای نشانه‌ای و نمادین جنگ باقی‌مانده است (مدنی و نظری، ۱۳۸۶: ۱۲۶)، تولید آثار ادبی در حوزه پایداری نیز ادامه یافت. با این تفاوت که در دهه‌های پس از جنگ با تغییر و تحولات در فضای سیاسی و اجتماعی کشور از جمله فاصله‌گرفتن از دوره جنگ، از بین رفتن تهدیدات دشمن، فرونشستن شور انقلابی، آشکارشدن آسیب‌های جنگ در تمامی ساحت‌ها و دگرگونی در سیاست‌های فرهنگی، زمینه برای طرح رمان‌هایی با مضامین و گفتمان‌های تازه فراهم شده است.

۱-۱- بیان مسأله

کاربرد زبان در لابه‌لای برخی روابط و فرآیندهای اجتماعی محصور شده است؛ روابط و فرآیندهایی که به نحوی نظام‌مند گوناگونی‌های زبانی را رقم می‌زنند که از جمله آنها می‌توان به صورت‌های زبانی که در متن ظاهر می‌شوند، اشاره کرد. یک جنبه از محصور بودن کاربرد زبان در روابط اجتماعی که ملازم مفهوم گفتمان است، آن است که زبان صورت مادی ایدئولوژی است. با این وصف، زبان نگاهی واحد به دنیا نیست؛ بلکه نگرش‌های متفاوت و ناهمگونی را در برمی‌گیرد و نمی‌توان گویندگان زبان را اسیر دام سامانه‌ای واحد و غالب باورها دانست؛ زیرا گویندگان، پیاپی به نسبت تغییر موقعیت‌های کلامی، چرخش‌های ایدئولوژیک انجام می‌دهند و به‌طور متناوب، درگیر چالش‌ها و تضادهایی می‌شوند که زمینه معناساختی آن بلافاصله، در اذهانشان احضار می‌شود (فاولر، ۱۳۹۵: ۲۸۲).

نویسندگان رمان‌های پایداری نیز به‌عنوان کاربران زبان در دهه‌های مختلف همچون ژانرهای دیگر ادبیات داستانی برای توصیف و ترسیم تحول عظیم سیاسی-اجتماعی-فرهنگی جنگ هشت‌ساله و تأثیرات آن با توجه به بافت موقعیتی و فضای فرهنگی و ایدئولوژیکی خاص دوره، به تولید آثار هم‌گماشتند. برخی از این آثار به بازتولید و

تحکیم فضای ایدئولوژیک گفتمان حاکم پرداختند و برخی دیگر نیز در تقابل با گفتمان مسلط، گفتمان‌های جدید و متفاوتی را به قلمرو ادبیات پایداری وارد نمودند. رمان اشکانه، از جمله زمان‌های مطرح حوزه پایداری است که نویسنده آن با بهره‌گیری از کارکرد ایدئولوژیک زبان در راستای مقابله با مؤلفه‌های گفتمان حاکم، بر دوره تاریخی متن اثر، همّت گماشته است. از این رو، در این پژوهش بر آنیم گفتمان‌های موجود در رمان مذکور را به شیوه توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف (Fairclough)، استخراج نماییم و پاسخگوی این پرسش باشیم که چگونه متن و معنا در این اثر در بستری از ایدئولوژی‌ها شکل گرفته است.

۱-۲- پیشینه تحقیق

در زمینه بررسی رمان اشکانه، پژوهش‌هایی چند صورت گرفته است که از جمله آنها، به این موارد می‌توان اشاره کرد:

عبدالعلی دستغیب در کتاب «از دریچه نقد» (۱۳۸۶) که در تحلیل خود از رمان اشکانه، عشق، ایثار و شهادت را از بن‌مایه‌های اصلی این اثر دانسته است. ظریفه روبین در مقاله «رمزی که اشکانه گشود» (۱۳۸۷) که به صورت مختصر در باب محتوای داستان اشکانه سخن گفته است. سودابه مهرآقا «مطالعه مقایسه‌ای نقش زن در ادبیات داستانی دفاع مقدس سه دهه پس از انقلاب اسلامی با تکیه بر نه رمان این دوره» (۱۳۹۲)، پایان نامه دانشگاه قم و نسیمه رضوانی سربندی «سبک‌شناسی رمان‌های ابراهیم حسن‌بیگی» (۱۳۹۶)، پایان نامه دانشگاه شهید باهنر کرمان از دیگر پژوهش‌هایی هستند که به صورت مختصر، به نقد و تحلیل رمان اشکانه پرداخته‌اند.

در باب تحلیل رمان‌های معاصر بر اساس چارچوب نظری فرکلاف، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های بسیاری به رشته تحریر درآمده که برخی از آنها در ادامه ذکر می‌شود.

قربانی جویباری در مقاله «بازنمود هویت زنانه در مجموعه داستان «حتی وقتی می‌خندیم» فریبا وفی با رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف» (۱۳۹۴) مجموعه مورد بحث را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه رسیده که مجموعه داستان حتی وقتی می‌خندیم بی‌شک دارای گفتمان فمینیستی است و سیمای ارائه شده از زن، تصویری وابسته به مرد و غیر مستقل است. خدیجه بهرامی رهنما در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی رمان «ماهی‌ها در شب می‌خوابند» بر اساس آرای نورمن فرکلاف» (۱۳۹۹) مسئله چگونگی شکل‌گیری گفتمان انتقادی را در رمان مذکور مورد بررسی قرار داده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که در سطح توصیف رمان ماهی‌ها در شب می‌خوابند، کاربرد فراوان دشواژه‌ها از سوی مردان، قطع کلام زنان، تقابل‌های دوگانه، بسامد فراوان وجه خبری در جهت قطعیت کلام، کنشگر بودن زنان و به کار بردن واژه‌های استعاری، نمودی برجسته دارد. در سطح تفسیر و از منظر بینامتنیت، این رمان تحت تأثیر آرای ویرجینیا ولف و سیمون دوبوار در جهت اعتراض به وضعیت زنان به رشته تحریر درآمده است. در سطح تبیین نیز می‌توان به هژمونی مردسالاری و قدرت‌یابی مردان و سرکوب زنان دست یافت. دیباج و همکاران در مقاله خود با عنوان «نشانه‌های زبانی در خاطرات حاج سیاح بر اساس الگوی فرکلاف» (۱۴۰۰) ایدئولوژی و سلطه نظام قدرت در لایه‌های مختلف درون متنی و برون متنی خاطرات حاج سیاح را بررسی کرده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نظام قدرت و جایگاه نویسنده نسبت به آن، تأثیری برجسته در استفاده از نشانه‌های زبانی در سطوح مختلف واژگانی و نحوی خاطرات حاج سیاح دارد. خداویردی عباس‌زاده و همکاران در مقاله‌ای با نام «گفتمان انتقادی در داستان بچه‌های قالیباف‌خانه هوشنگ مرادی کرمانی (بر اساس نظریه نورمن فرکلاف)» (۱۴۰۰) به شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی داستان مذکور پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که مرادی کرمانی در این داستان بر مبنای رابطه قدرت، ایدئولوژی و گفتمان مورد نظر فرکلاف،

وضعیت اسفناک استعمار انسانی کودکان و سلطه فرادستان بر فرودستان را روایت کرده است.

علی دست‌خسگ در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل گفتمانی رمان‌های اسماعیل فصیح و محمدرضا کاتب» (۱۳۹۲) با بهره‌گیری از چارچوب نظری پژوهش و بر اساس دو رویکرد ارزش محور و انتقادمحور رمان‌های مذکور را مورد بررسی قرار داده است. دست‌خسگ رمان «زمستان ۶۲» فصیح را در زمره آثار انتقادی و منفی نگر به جنگ و «دوشنبه‌های آبی ماه» کاتب را در گروه رمان‌های ارزش محور و مثبت‌نگر به جنگ ارزیابی کرده است. نوال رخنیه در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی ده رمان نوجوان دفاع مقدس بر اساس نظریه فرکلاف» (۱۳۹۵) نقد و بررسی رمان‌های پایداری را اساس پژوهش خود قرار داده است و در پایان به این نتیجه رسیده که نویسندگان گروه کودک و نوجوان در حوزه دفاع مقدس با توجه به مخاطب‌شان که نوجوان است، توانستند بین ارزش‌های مذهبی و اسطوره‌ملی و دینی ارتباط و پیوند برقرار کنند. در بررسی‌های انجام‌شده بر روی آثار پژوهشی پیشین، موضوعی منطبق با پژوهش حاضر یافت نشده است. بنابراین لزوم پرداختن به رمان اشکانه در چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف اهمیت بیشتری می‌یابد.

۲- چارچوب نظری پژوهش

۲-۱- تحلیل انتقادی گفتمان؛ رویکرد فرکلاف

مرحله سوم مطالعات کلامی که آمیزه‌ای از دو رویکرد صورت‌گرا و نقش‌گرا است، در قالب رهیافت تحلیل انتقادی گفتمان، بسط و گسترش یافت. این جریان فکری سهم مهمی در مطالعات کلامی و نظریه گفتمان ایفا کرده است که عمده سهم آن، تعمیق نقش زبان در جامعه و فهم مناسبات آن است. نظریه‌پردازان تحلیل انتقادی گفتمان برخلاف بررسی‌های توصیفی و صوری پیشین از زبان، معتقدند که زبان نیت‌مند است و عمل

اجتماعی غیرزبانی و کاربردهای زبانی بر یکدیگر اثرگذار هستند و یکدیگر را شکل می دهند.

آنها معتقدند، ایدئولوژی‌های مسلط، زبان و گفتمان را به وجود می آورند و گفتمان نیز به نوبه خود، ایدئولوژی را بازتولید می کند. «فرکلاف»، از برجسته ترین نظریه پردازان این رویکرد گفتمانی است که به شیوه‌ای جامع و نظام مند، به کاوش در روابط نامعلوم بین متون و ساختارها، روابط و فرآیندهای فرهنگی و اجتماعی در سطح گسترده پرداخته است. فرکلاف، گفتمان را زبان به منزله کنش اجتماعی معرفی کرده است. از نظر وی، گفتمان مجسم کننده معنا و ارتباط اجتماعی است؛ شکل دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی-سیاسی است (آقاگل زاده، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

این نظریه پرداز، علاوه بر این که چارچوبی تحلیلی برای بررسی زبان در رابطه با عناصر فرازبانی چون جامعه، قدرت و ایدئولوژی ارائه کرده، این نظریه را به عنوان یکی از راهکارهای عملی در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نیز معرفی کرده است که به وسیله آن، می توان به ماهیت تغییرات اجتماعی و فرهنگی پی برد (همان، ۱۳۸۶: ۱۸).

۳- بحث و بررسی

۳-۱- خلاصه رمان اشکانه

رمان اشکانه، حکایت قهرمان‌هایی است که در تلاش برای رهایی از ارزش‌های کمی حاکم و جستجوی ارزش‌های اصیل و راستینی چون عشق و عدالت هستند؛ اما گریزگاهی جز تنهایی و انزوا نخواهند یافت. آنچه در نگاه نخستین در ساحت داستان اشکانه نمود پیدا می کند مفهوم «عشق» است؛ عشقی پاک و متعالی از جانب «اشکانه»، شخصیت اصلی داستان، به «سیدحسین علوی»، جانباز ۷۰ درصد جنگ ایران و عراق که با بیماری و فقر، دست و پنجه نرم می کند. افزون بر ساحت عشق، مفهوم دیگری نیز

در داستان اشکانه برجستگی یافته و آن مفهوم «دگردیسی» است؛ دگردیسی در ساختار کلان جامعه، دگردیسی در آرمان‌های حاکم بر دوره جنگ و انقلاب.

حسن‌بیگی، با پرداختن به زوایایی از زندگی سیدحسین و دوستان هم‌رزم وی یعنی «حامد» و «امیر»، و مقایسه آنها باهم نمودهایی از این تحولات را در دوره اولیه پس از جنگ هم‌زمان با دوره سازندگی بازنمایی می‌کند. امیر که اکنون شوهرخواهر سیدحسین است با رسیدن به منصب دولتی و کنار گذاشتن آرمان‌های پیشین، درصدد تحصیل ثروت به هر طریقی است. حامد، بسیجی آزاده‌ای تصویر می‌شود که بعد از سال‌ها اسارت، به ایران بازگشته، ولی بی دلیل، به زندان افتاده است و در آنجا، با مفاسد موجود در سیستم قضایی و نظامی کشور مواجه می‌شود. بازنمایی این دگردیسی‌ها در این اثر، رمزگذارنده مجادلات ایدئولوژیک و قطبی‌سازی بین دو دوره و دو گفتمان می‌شود.

۳-۲- تحلیل داده‌ها در چارچوب نظری پژوهش

فرکلاف، چارچوب نظری و راهبرد عملی خود برای تحلیل انتقادی گفتمان را در سه مرحله توصیف، تفسیر و تبیین از هم متمایز کرده است.

۳-۲-۱- سطح توصیف

در سطح توصیف، «گفتمان به‌مثابه متن است و متن جدا از سایر متن‌ها و زمینه و اوضاع اجتماعی بررسی می‌شود. مجموعه ویژگی‌های صورتی که در یک متن یافت می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان انتخاب‌هایی خاص از میان گزینه‌های مربوط به واژگان و دستور موجود تلقی شوند که متن از آنها استفاده می‌کند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷). این‌که واژگان بر کدام‌یک از ارزش‌های تجربی و رابطه‌ای و بیانی دلالت دارند و ارتباط آنها از کدام نوع از روابط معنایی (هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی) است، وجه فعل

جمله‌ها چیست و این که جمله‌ها معلوم‌اند یا مجهول، مثبت هستند یا منفی در این بخش بررسی می‌گردد (همان: ۱۶۷-۱۷۱).

برای تحلیل رمان اشکانه در سطح توصیف، بریده‌ای از متن داستان به عنوان نمونه انتخاب گردید و بر اساس آن تحلیل رمان مذکور در این بخش انجام گرفته است. - «سید باید فکر می‌کرد چه ربطی به او دارد که امیر دوست سابقش باشد یا نباشد؛ شوهرخواهرش باشد یا نباشد. حالا، دیگر امیرهای زیادی آردشان را بیخته بودند و راه خودشان را می‌رفتند. شاید اگر آن روزها این همه شعارهای ضد سرمایه‌داری و تجمل‌گرایی نمی‌دادند و یا این همه سنگ فقرا را به سینه نمی‌زدند، امروز بهتر می‌شد با داشتن ماشین‌های خارجی و خانه‌های مجلل در بالای شهر، کنار آمد.

آن وقت نه این همه، امیر رنگ‌به‌رنگ می‌شد و نه سید فکر می‌کرد امیر از اعتقادات خود برگشته است. آن روزها که حسابی انقلابی بودند، آن قدر نهج‌البلاغه علی را ورق‌زده بودند که برای هر حرف و بحثی، دلیل و برهانی از نهج‌البلاغه می‌آوردند و آتش تنور عدالت‌خواهی‌شان را شعله‌ور می‌ساختند. لاقلاً این همه سنگ حضرت علی را به سینه نزنده بودند، امروز به راحتی می‌توانستند ادعا کنند آنچه فکر کرده‌اند، غلط بوده و یا آن تحلیل‌ها و حرف‌ها مال اول انقلاب است و حالا دیگر کاربردی ندارد.

امیر اما فکر می‌کرد این حرف‌ها، حرف روز نیست؛ حرف‌های زمان جنگ است و سید بعد از جانبازشدنش، از اوضاع کشور اطلاع درستی ندارد و سرش را زیادی فروبرده در کتاب‌هایی که زمان مصرفشان گذشته است و در هیچ‌کدام از این کتاب‌ها یاد نمی‌دهند که هر انقلابی روزی به آخر می‌رسد - مثل جنگ و خیلی از شعارها و حرف‌وحديث‌ها که امروز تمام شده است.

به قول آقای شعبانی، این تفکرات انقلابی، امروز، به درد ملت فلسطین می‌خورد. کشور، حالا، باید دوران سازندگی را طی کند و سازندگی با شعار نمی‌شود. برای سازندگی، پول لازم است و پول هم توی دست سید و امثال سید نیست. پولدارها امنیت

شغلی می‌خواهند. شعارهای انقلابی آنها را فراری می‌دهد» (حسن بیگی، ۱۳۹۶: ۷۲-۷۳).

به عقیده فرکلاف (۱۳۷۹: ۱۷۱-۱۷۲)، واژه‌های مختلف تشکیل‌دهنده متن به تولید واقعیت به شیوه‌ای خاص کمک می‌کنند. البته این نکته را نیز باید اذعان کرد که دیدگاه ویژه نویسنده و تجربیات او در انتخاب این واژگان بسیار مؤثر است. حسن بیگی، از ظرفیت واژگانی زبان فارسی به شیوه‌های مختلف برای مفصل‌بندی و بازتولید ایدئولوژی‌های رمزگذاری‌شده در گفتمان رمان اشکانه بهره گرفته است.

یکی از مهم‌ترین تمهیدات این نویسنده در سطح واژگان، آن‌گونه که از متن برگزیده برمی‌آید، «تکرار» واژگان است. در باب مقوله تکرار باید گفت، برخی واژگان که بار معنایی مهمی در زیرساخت اندیشگانی دارند، به‌دفعات در گفتمان اثر تکرار می‌شوند. از این رو، بررسی این راهبرد برای کشف ایدئولوژی پنهان متن بسیار سودمند است. حسن بیگی، در رمان اشکانه، مفاهیم مهم و ایدئولوژیک را به‌وسیله تکرار برخی واژگان مورد تأکید قرار داده است که از جمله آنها می‌توان به واژگان «انقلاب، جنگ و سازندگی» در نمونه متنی بالا اشاره کرد. تکرار معنادار این واژگان که با تأکید ویژه‌ای در برخی قسمت‌های متن به تصویر کشیده شده است، در واقع در حکم ارزش‌های تجربی متن هستند.

مقوله دیگری که به نظر فرکلاف (۱۳۷۹: ۱۷۴)، در گزینش واژگان، طرحی به لحاظ ایدئولوژیک خاص به متن می‌دهد، «باهم‌آیی» واژگان است. باهم‌آیی، سامان‌دهی واژه‌هایی با ویژگی‌های بنیادین مشترک بر روی محور هم‌نشینی زبان است. آنچه در زیرساخت اندیشگانی متن انتخابی از رمان اشکانه، علاوه بر تکرار واژگان مذکور، قابل‌اعتنا است، باهم‌آیی واژگانی چون «تفکرات انقلابی، شعارهای ضد سرمایه‌داری و تجمل‌گرایی، فقرا، نهج‌البلاغه، عدالت‌خواهی، حضرت علی، انقلاب، جنگ» و «سازندگی و داشتن ماشین‌های خارجی، خانه‌های مجلل در بالای شهر، سازندگی، پول و پولدار»

است که درحقیقت، طرحی خاص برای مقایسه و تبیین دگردیسی‌های گفتمانی در دو دوره جنگ و پس از جنگ به دست می‌دهد.

لازم است اشاره شود که ارزش عطف توجه متناوب به متن و نوع گفتمان، همچنین درمورد روابط معنایی بین واژگان این گفتمان‌ها نیز مصداق می‌یابد. روابط معنایی میان واژگان را هم غالباً می‌توان مرتبط با و متأثر از ایدئولوژی‌های نهفته در متن دانست؛ چه این ایدئولوژی‌ها در بستر نوع خاصی از گفتمان قرار داشته باشند و چه به صورتی خلاقانه در متن ایجاد شده باشند (همان: ۱۷۷).

در گفتمان رمان اشکانه، روابط معنایی میان واژگان غالباً از نوع تضاد معنایی است. «پولدار و فقرا، ضد سرمایه‌داری و تجمل‌گرایی با داشتن ماشین‌های خارجی و خانه‌های مجلل، دوران انقلاب و جنگ با دوران سازندگی» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۶: ۷۱-۷۲)؛ «آدم معتقد و دزد» (همان: ۵۹)، «پول و ایمان» (همان: ۶۰)؛ «حرام و حلال، کاخ و کوخ، انقلاب و طاغوت، ارزش و ضد ارزش» (همان: ۶۲)، نمونه‌هایی از واژگان دارای تضاد معنایی در رمان اشکانه هستند که نشانی از زیرساخت اندیشگانی این اثر نیز می‌باشد.

نکته محوری دیگر در تحلیل واژگان گفتمان‌ها آن است که در تفاوت میان انواع گفتمان، ارزش‌های بیانی کلمات نیز به لحاظ ایدئولوژیک، معنادار هستند. ارزش بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۷۲). در پاره‌گفتارهای زیر از نمونه متنی بالا و نیز دیگر بخش‌های رمان اشکانه نوع نظام ارزشیابی نویسنده در سطح واژگان و ضمائر آنها به‌وضوح نمایان است.

- «امیر هم در آتش تردید، فکر می‌کرد چرا به دل‌هایی مثل شعبانی اجازه داده است که تا این مرحله پیش بیایند که به او پیشنهاد رشوه بدهند (حسن‌بیگی، ۱۳۹۶: ۲۴)؛ حالا دیگر امیرهای زیادی آردشان را بیخته بودند و راه خودشان را می‌رفتند؛ شاید اگر آن روزها... این همه سنگ فقرا را به سینه نمی‌زدند، امروز بهتر می‌شد با داشتن ماشین‌های خارجی و خانه‌های مجلل در بالای شهر، کنار آمد. لاقل این همه سنگ

حضرت علی را به سینه زده بودند، امروز براحتی، می‌توانستند ادعا کنند آنچه فکر کرده‌اند، غلط بوده...؛ امیر اما فکر می‌کرد این حرف‌ها، حرف روز نیست، حرف‌های زمان جنگ است؛ سید بعد از جانبازشدنش، از اوضاع کشور اطلاع درستی ندارد و سرش را زیادی فروبرده در کتاب‌هایی که زمان مصرفشان گذشته است (همان: ۷۲)؛ حامد، باورش نمی‌شد آدم‌ها بتوانند این‌همه عوض شوند و زمان، بی‌رحمانه، گذشته‌ها را در ذهن‌ها پاک کند. خیلی خری امیر، خیلی خر شده‌ای! خیلی. شده‌ای بارکش این مزبله. بویی از امیری که دوست من بود، نداری (همان: ۱۱۶)؛ امیر بهانه‌ای شد برای انتقاد از وضع جامعه که البته سید زیاد مایل نبود حامد را با همه ناملایمات و معضلات جامعه پس از جنگ باخبر کند؛ سید همان وقت‌ها گفته بود از دین فقط تظاهرش را دارد. مردک سر سفره اراذل و اوباش، می‌نشیند و پول حرام به خورد زن و بچه‌اش می‌دهد (همان: ۱۱۰-۱۲۸)؛ مردی که در بنیاد، مسئولیتی داشت، پشت میزی نشسته بود که از میز فلان مدیرعامل فلان شرکت اقتصادی هم بزرگ‌تر و پرزرق‌وبرق‌تر بود. همان میزی که در دوران دانشجویی‌اش به میز طاغوت معروف بود. اشکانه در خوش‌بینانه‌ترین حالت ممکن اندیشید: غنیمت جنگ است (همان: ۱۵۹)؛ سید خطاب به حامد می‌گوید: «مدینه فاضله‌ای ساخته نخواهد شد. واقعیت، همیشه، رنگ دلخواه ما را ندارد. جامعه پس از جنگ را اگر درست تحلیل نکنیم، هرکدامان می‌شویم یک امیر که الان گوشه زندان است» (همان: ۲۰۸).

مسئله قابل تأمل در این ارزشیابی‌ها استفاده حداکثری از وجه خبری با افعال معلوم و مثبت است که بر اقتدار نویسنده در بازنمایی بافت موقعیتی ایدئولوژیک و صحت گزاره‌های مطرح‌شده دلالت دارد.

نکته برجسته دیگر در نظام ارزشیابی این پاره‌گفتارها، تکنیک تصویرکردن مؤلفه‌های موردانتقاد نویسنده در قالب شیوه‌های بلاغی است که نوعی هم‌نشینی در طرح ایدئولوژیکی داستان ایجاد کرده است. تعبیر کنایی «آردشان را بیختن»، «سنگ

فقرا را به سینه زدن»، «آتش تنور عدالت خواهی را شعله‌ور ساختن» و «بارکش مزبله شدن» و همچنین استعاره «مزبله» و تشبیه «میز طاغوت» در پاره‌گفتارهای بالا از جمله تصاویر بلاغی است که نویسنده برای بازنمایی‌های اجتماعی زیربنایی (نگرش‌ها و ایدئولوژی‌ها) و ارزشیابی نقایصی چون کمرنگ‌شدن آرمان‌های انقلابی، زیاده‌خواهی و مفاسد اقتصادی در ساختار کلان جامعه پس از جنگ از آنها بهره گرفته است.

۳-۲-۲-تفسیر

تفسیر، ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر است. منظور از ذهنیت مفسر، دانش زمینه‌ای است که مفسر در تفسیر متن به‌کار می‌بندد. به باور فرکلاف، یکی از سطوح مهم تفسیر، «بافت موقعیتی» است. تفسیر موقعیت، «تعیین‌کننده نوع گفتمانی است که به کار گرفته شده است و این نیز به سهم خود بر ویژگی شیوه‌های تفسیری تأثیر خواهد گذاشت» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۲۰). در نظریه فرکلاف چهار پرسش در رابطه با چهار بُعد اصلی بافت موقعیتی مطرح شده است: ۱) رویداد چیست؟ ۲) چه کسانی درگیر آن هستند؟ ۳) روابط میان آنها چیست؟ ۴) نقش زبان در خصوص پرسش اول چیست؟ (همان: ۲۲۲).

بافت موقعیتی رمان اشکانه و جامعه مورد تحلیل آن، مقطعی از تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره پس از جنگ است. دوره‌ای که گفتمان پیشین یعنی گفتمان چپ سنتی یا ارزش‌مدار به حاشیه رانده شد و گفتمان سازندگی، گفتمان هژمونیک در همه سطوح قدرتی کشور است.

در تفسیر گفتمان رمان اشکانه با تأکید بر بافت موقعیتی، باید گفت، نویسنده در این داستان به بافت نهادی گفتمان سازندگی به‌عنوان یک منتقد نگریسته و متن خود را ابزاری در خدمت تبیین معایب و نقایص برنامه‌های دولت سازندگی قرار داده است. حسن‌بینی در ضمن پرداختن به این معایب و نقایص به هویت‌یابی کنشگران گفتمان نیز اقدام کرده است. از این رو، داستان وی روایتگر «نسل انقلاب است که چندپاره شده؛

یکی مثل اشکانه، یکی مثل امیر، یکی هم مثل سیدحسین و حامد» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۶: ۱۷۷). در همین راستا باید افزود، حسن‌بیگی اساس گفتمان رمان را بر نوعی قطبی‌سازی قرار داده است.

این قطبیت در واقع «برآمده از تقابلی است که سوژه میان درون و بیرون احساس می‌کند و ناشی از موقعیت سوژگی است که گفتمان‌ها برای او فراهم می‌آورند و به این ترتیب تعارض میان دو گفتمان رقیب، باعث قطبی‌شدن ذهن سوژه و بالطبع قطبی‌شدن رفتار و گفتار او می‌گردد» (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۴). در قطب مثبت گفتمان رمان اشکانه، شخصیت‌هایی چون «سیدحسین، حامد و اشکانه» قرار دارند که متأثر از جریان خطّ امام و دارای هویت انقلابی و ارزشی هستند.

«سیدحسین»، جانباز ۷۰٪ جنگ هشت‌ساله و ساکن «بیغوله‌های جنوب شهر تهران» است. جانبازی «درمانده و محتاج نان شب» که «با توجه به احتمال ضعیف بهبودی و هزینه بالای اعزام، نظر شورای پزشکی بنیاد جانبازان درباره اعزام او به خارج از کشور ممتنع بود». انسانی که سرانجام «قربانی فاصله‌ها میان شعار و شعور مسئولین» شد و در اثر نبود تخت آی. سی. یویی «که هزینه آن کمتر از گلوله خمپاره‌ای است که وی را به این روز انداخت» در بیمارستان‌های دولتی و عدم تمکن مالی برای ادامه درمان در بیمارستان‌های خصوصی تهران، درگذشت (همان: ۲۴، ۷۰، ۹۰، ۹۴، ۲۵۱، ۲۵۳).

«حامد»، از هم‌زمان سیدحسین و امیر که «پس از سال‌ها دوری از وطن، فکر می‌کند آنچه پیش روی دارد همان تخیلات زیبایی است که به امید آنها سال‌های سیاه اسارت را تحمل کرده است»؛ اما پس از بازگشت به وطن «همه امیدهایش را از دست‌رفته می‌بیند» و در «یک تضاد کشنده» به سر می‌برد. بر سر «هیچ و پوچ» به زندان می‌افتد و در آنجا با «واقعیت‌هایی روبرو می‌شود که تا بعدها فکر کند چه دروغ‌های بزرگی به حقیقت می‌پیوندند و چه واقعیت‌های بزرگی را نیز دروغ می‌نمایانند» (همان: ۱۰۶، ۱۴۲، ۱۵۸).

«اشکانه»، «دختر یک بازاری پولدار و بالاشهرنشین» در زمان انقلاب که به خاطر سیدحسین «دست از خانواده‌اش و مادیات شست». «زنی صبور و مقاوم که مشقت نگهداری از سیدحسین را با تبسم‌های همیشگی تحمل کرد». «زنی برخاسته از متن عشقی اساطیری» که «نشانی از زن عرفی جامعه نداشت» (همان: ۸۳، ۱۶۰، ۲۵۷، ۲۶۲). روابط میان این شخصیت‌ها به دلیل جایگاه اجتماعی برابر و افکار و اندیشه‌های ایدئولوژیک همسان روابطی صمیمانه و دوستانه می‌باشد.

حسن‌بیگی در قطب منفی گفتمان رمان اشکانه: «امیر»، از دیگر هم‌زمان سیدحسین و همچنین داماد وی را قرار داده که پس از جنگ در «شهرداری تهران به پست مدیریت» رسیده است. امیر، در داستان سوژه‌ای هویت باخته معرفی شود که تحت تأثیر ساختار اجتماعی حاکم بر دوره سازندگی از «مواضع و شعارهای پیشین» فاصله گرفته است و «مهره سیستمی شد که دیگران برایش ساختند و او را هم به بازی گرفتند». وی سرانجام، «به اتهام فساد اقتصادی، ارتشاء و پول‌شویی» بازداشت می‌شود و به زندان می‌افتد (همان: ۱۶۳، ۱۹۲، ۲۰۸).

«شعبانی»، «روشنی» و «ولیان»، از «دلّالان و صاحبان سرمایه» در دوره سازندگی، از دیگر شخصیت‌های منفی رمان مذکور هستند که اگرچه در داستان نقش تقریباً کم‌رنگی دارند ولی در راستای پیشبرد اهداف ایدئولوژیک نویسنده نقش مقوم و مؤید وضعیت موجود در دوره سازندگی را ایفا می‌کنند. این اشخاص که با امیر در ارتباط‌اند همان کسانی هستند که «از قبل حضور رزمندگان در جنگ، یک‌شنبه میلیاردر شده‌اند». حالا هم «آنقدر پول دارند که دولت نمی‌تواند آنها را نادیده بگیرد. آنها امروز کارگزاران دولتند» (همان: ۲۳، ۲۴، ۵۸). هویت‌های مثبت رمان نسبت به این شخصیت‌ها نگاهی انتقادی و همراه با بیزاری دارند؛ و روابط آنها نیز با یکدیگر به صورت تقابلی و از نوع «خود» و «دیگری» سازمان‌دهی شده است.

در زمینه نقش زبان در پیشبرد رویدادهای رمان اشکانه، باید توجه داشت که از زبان در این اثر برای تحقق بخشیدن به یک هدف متعالی استفاده شده است. مهم‌ترین نقش زبان در رمان اشکانه بازنمایی ایدئولوژی نویسنده در انتقاد از نظام معنای‌ای است که در گفتمان سازندگی صورت‌بندی شده است. به این اعتبار، زبان، مجرای ارتباط را بین متن و ساختار اجتماعی تعیین می‌کند. با بررسی عناصر زبان‌شناختی داستان اشکانه، مفسر درمی‌یابد که شیوه‌های به‌کاررفته در زبان نویسنده، متن او را به‌خوبی به بافت موقعیتی داستان پیوند می‌دهد.

هدف نویسنده اشکانه آن است که مخاطبان را تحت تأثیر آراء و افکار خود و درنهایت، ایدئولوژی گفتمان خویش قرار دهد. به همین دلیل، نیاز دارد خود را به منبعی از قدرت، متصل کند که بتواند با آن طرح‌واره‌های ذهنی و دانش زمینه‌ای مخاطبان را برانگیزاند. در اینجا، وی توسل به بینامتنیت و میراث فرهنگی مشترک را برمی‌گزیند. بینامتنیت یکی از مفاهیم مهم در حوزه کردار گفتمانی محسوب می‌شود که به تاریخ‌مندی و زایایی متون اشاره دارد. این‌که چگونه متون می‌توانند متون پیش از خود را دگرگون کنند و به قراردادهای موجود ساختاری جدید بدهند. از این نظر، «هیچ گفتمانی نمی‌تواند مستقل و جدا از گفتمان‌های جمعی که قبل از آن شکل گرفته و وجود داشته‌اند، عمل کند. در این حالت، فردی متعهد می‌گردد تا در شرایطی بیناکنشی و بیناگفتمانی مسئولیت ایجاد ارتباط زبانی را بر عهده بگیرد. به این ترتیب، استعمال زبانی که با عادت و کلیشه گره‌خورده است جای خود را به خلاقیت، بازپردازی و تغییر می‌دهد. گفتمان مانند کانالی عمل می‌کند که همواره از ناحیه استعمال زبانی تغذیه شده و سپس با قرارداد فیلتری شخصی در برابر جریان سیل‌آسای این استعمالات، آنها را پالایش می‌کند و با عمل حذف، افزودگی، جابه‌جایی، تغییر، تلخیص، قبض و بسط، آنها را بازپروری می‌کند تا منجر به خلق گفتمانی شود» (شعیری، ۱۳۸۸: ۶۱).

در رمان اشکانه، آنچه در نگاه نخست، از دیدگاه بینامتنی قابل توجه است، پیوند متن با میراث ادبی کهن فارسی است. نویسنده رمان در موارد متعددی به فراخور بافت موقعیتی، در توصیف و بازنمایی احساسات و عواطف مشارکین گفتمان از این عناصر بینامتنی بهره گرفته است.

- «اشکانه سید را روی چرخ نشانده. از پشت پنجره، حیاط کوچک خانه قدیمی آنها، آن قدر بزرگ و دلگشا بود که بتواند یکنواختی روزهای سال را از آنها بگیرد. اشکانه پشت چرخ ایستاد و دست‌هایش را روی کتف و گردن سید گذاشت و گفت: خلوت‌گزیده را به تماشا چه حاجت است

چون کوه دوست هست، به صحرا چه حاجت است

(حسن‌یگی، ۱۳۹۶: ۷۸)

- «حامد به صورت سید نگاه کرد. در زیر نور ماه که اریب می‌تابید، بی‌قراری و رنج را در چهره‌اش دید. گفت:

سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد تا روی درین منزل ویرانه نهادیم

(همان: ۱۰۶)

- «اشکانه ترجیح می‌داد توی اتاقی بماند که بوی سید را می‌داد، اتاقی که هنوز نفس‌های سید، بازدم‌های او را در خود داشت. اتاقی که حالا شعرها و اشک‌های اشکانه آن را پر کرده بود. در ذهنش انباشتی از خاطره‌ها بود که او را به روزهای از دست‌رفته پیوندی جدانشدنی می‌داد:

آن روزهای جذبه و حیرت

آن روزهای خواب‌و‌بیداری

... و دختری که گونه‌هایش را با برگ‌های شمعدانی رنگ می‌زد

آه، اکنون زنی تنهاست

اکنون زنی تنهاست»

(بخشی از شعر آن روزها، فروغ فرخ‌زاد، مجموعه تولدی دیگر) (فرخ‌زاد، ۱۳۷۶: ۱۲).

از دیگر پیشامتن‌هایی که در گفتمان رمان اشکانه کاربرد یافته، استناد به آیات قرآن کریم و روایات مأثوره است که در جهت تقویت قرائت ایدئولوژیک متن از آنها استفاده شده است.

- «حامد آهی کشید و گفت: «جایی که ما بودیم؛ همان جهنم بود؛ و اگر نبود طلب مغفرت‌های شما، عاقبتمان معلوم نبود». سید گفت: «انگار راه بهشت از جهنم می‌گذرد. دنیا برای مؤمن همیشه زندان است» (همان: ۱۰۹). این جمله از اشاره‌های میان گفتمانی متن است که به حدیث پیامبر اکرم (ص) «الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ»، اشاره دارد (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق: ۲۲۱/۶۵).

- «مادر می‌دانست چهار سال پیچ‌وتاب درد ناشی از زخم تشک، حسین را چون خوره می‌خورد. دیگران می‌گفتند آزمایش الهی است باید در مقابل آنچه از خدا می‌رسد صبور بود» (حسن بیگی، ۱۳۹۶: ۲۸). نویسنده در این پاره‌گفتار با استناد به آنچه در کتاب آسمانی درباره آزمایش الهی آمده است «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ» (بقره، ۲: ۱۵۵)؛ قصد دارد تثبیت دال‌های ایدئولوژیک را در اذهان مشارکین گفتمان برجسته نماید.

- «شعبانی افزود: «مگر نه این است که علما می‌گویند خداوند نعمت‌هایش را برای مؤمنان در زمین قرار داده است؟ چرا باید این نعمت‌ها در دست شماها نباشد؟ من نمی‌فهمم چی تو سر امثال شماست که از پول و ثروت که یک نعمت الهی است بیزارید؟» (حسن بیگی، ۱۳۹۶: ۶۱).

روند حاکم بر گفتمان رمان به‌گونه‌ای است که سوژه (شعبانی) در تلاش است «با به‌کارگیری نوعی گونه‌القیایی مبتنی بر اغوا» و با استناد به معنای آیه «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي

الأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (الاعراف، ۷: ۱۰)، «کنشگر (امیر) را در شرایط انجام فرآیند کنشی (قبول رشوه) قرار دهد» (شعیری، ۱۳۸۵: ۶۶-۶۷).

۳-۲-۳- تبیین

تبیین، گفتمان را به عنوان کنش اجتماعی توصیف می کند و نشان می دهد، چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می بخشند. تبیین، همچنین، نشان می دهد، گفتمان چه تأثیرات بازتولیدی می تواند بر آن ساختارها بگذارد، تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۵).

در تبیین گفتمان رمان اشکانه و در بررسی شالوده اجتماعی که در جریان این کنش گفتمانی بازتولید شده، باید عنوان کرد، زمینه تاریخی و اجتماعی متن اثر در فاصله سالهای ۱۳۶۸-۱۳۷۶ هم زمان با سلطه گفتمان راست مدرن یا سازندگی است.

در باب روی کار آمدن گفتمان سازندگی و هژمونی یابی آن در این برهه تاریخی عواملی چند دخیل بوده است که در ادامه به مواردی از آنها اشاره می شود. نخست آن که، دوران سازندگی از سال ۱۳۶۸ در حالی آغاز شد که پایان جنگی خانمان برانداز، شرایط ویژه ای را بر کشور حکم فرما کرده بود. این جنگ، منابع محدود ملی را که می بایستی صرف توسعه اقتصادی-فرهنگی-سیاسی کشور تازه انقلاب کرده می شد، به خود اختصاص داده بود.

با پایان جنگ هشت ساله و حصول ثبات نسبی، تغییر در رویکردهای فرهنگی-سیاسی-اقتصادی که در زمان جنگ به دلیل مسائل خاص آن دوران حاکم شده بود و نیز بازسازی و ترمیم ویرانی های جنگ و حل مسائل اقتصادی مردم مورد توجه قرار گرفت. از سوی دیگر، درگذشت رهبر انقلاب و مسائل و تبعات ناشی از این شوک در جامعه، چالش جدی دیگری بود که در این دوره کشور و حاکمیت با آن روبه رو شده بود.

اصلاحیه قانون اساسی کشور که به منظور رفع ابهامات قانونی در اداره کشور، تمرکز در رهبری کشور و تمرکز در قوه اجراییه و قضایی را به دنبال داشت، یکی دیگر از مواردی بود که عامل تشدید توقعات و انتظارات از سیستم آتی اجرایی کشور در این برهه می‌شد. در سراسریی قرارگرفتن اقتصاد سوسیالیستی و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در این دوران و تأثیر آن بر سیاست‌های جهانی و تغییراتی که در معادلات بین‌المللی ایجاد می‌کرد نیز از دیگر مسائلی بود که بر روند سیاست‌گذاری نظام و چگونگی تفکر و تصمیم‌گیری و شیوه اجرایی مسئولان در خصوص مسائل عمده کشور به شدت تأثیرگذار بود. مجموعه‌ای از این عوامل در نهایت زمینه‌ساز روی کار آمدن گفتمان راست اسلامی مدرن یا سازندگی در سال ۱۳۶۸ شد (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۴: ۲۳۸؛ فاضلی و کردونی، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

در این مرحله، تلاش شد با تأکید بر ایده‌هایی نظیر سازندگی، بازسازی اقتصادی، توسعه همه‌جانبه کشور، افزایش تولید و تأمین اجتماعی، تصویری جدید از مبانی هویتی انقلاب اسلامی به اقتضای فضای داخلی کشور ارائه شود؛ تصویری که بر اساس نوعی نگاه و چشم‌انداز مندرج در آرمان‌های انقلاب برهم‌پذیری و تعامل دنیا و آخرت و رفاه مادی و کمال معنوی تأکید می‌نمود. چنانکه آقای هاشمی رفسنجانی در جریان معرفی اعضای کابینه خود به مجلس، کابینه پیشنهادی را «کابینه کار» نامید (نظری، ۱۳۸۷: ۲۲۳-۲۲۴).

این چرخش در عرصه چشم‌اندازهای هویتی از دید تحلیلگران به معنای گذار از کابینه ایدئولوژیک به کابینه فن‌سالارانه متشکل از گروه کوچکی فن‌سالارهای بلندپایه، میانه‌رو و معتقد به بازسازی کشور بود (فارسون و مشایخی، ۱۳۷۹: ۲۹۷). طیف فن‌سالاران که برخی از آنها تحصیل‌کرده غرب بودند، بیشتر گرایش‌های غیرسیاسی و اغلب اقتصادی داشتند و حضور آنها در کابینه به معنای ظهور برداشت‌های جدیدی در تفسیر و تبیین مفاهیم سیاسی بود. صاحب‌نظران، معتقد بودند حضور فن‌سالارهای

جدید در عرصه سیاسی به معنای عبور از گفتمان ارزش‌محور آرمان‌گرای سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۸، به گفتمان منفعت‌محور اقتصادی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۷۶ است (نظری، ۱۳۸۷: ۲۲۵؛ خرمشاد و جمالی، ۱۳۹۷: ۱۷۹).

همان‌طور که ذکر شد، مهم‌ترین هدف دولت‌سازندگی در این مقطع، نوسازی و توسعه برون‌دادهای اقتصادی بود. دولت به‌منظور دستیابی به این هدف، سعی کرد از توانایی‌های بخش خصوصی و سایر امکانات بالقوه بهره‌گیرد؛ بنابراین آزادسازی اقتصادی و کاهش نقش دولت به‌عنوان کلید اصلی تحقق برنامه‌های اقتصادی مورد توجه قرار گرفت. هم‌زمان، این فکر نیز در دولت قوت گرفت که نظام دید جهانی (بعد از فروپاشی دولت شوروی سابق) کمتر از گذشته ایدئولوژیک و سیاسی است و توجه بیشتری به اقتصاد جوامع پیدا کرده است.

در پناه چنین تفکری دولت سعی کرد هرچه بیشتر سیاست‌های اقتصادی خود را با سیاست‌های عمده و جاری اقتصادی در جهان هماهنگ سازد. سیاست «تعدیل اقتصادی» و سپس سیاست «تثبیت اقتصادی» که در دوران هشت سال رئیس‌جمهوری هاشمی رفسنجانی اجرا شد، در واقع، نوعی برداشت از راهنمایی‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بود (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۹۷).

اولین برنامه توسعه یا نام «سیاست تعدیل اقتصادی» در بهمن‌ماه ۱۳۶۸ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و از ابتدای سال ۱۳۶۹ به مرحله اجرا درآمد. انتظار مسئولان مملکتی آن بود که این برنامه بعد از هشت سال جنگ زیان‌بار با عراق، آغازگر فصل جدیدی برای توسعه و سازندگی باشد و پاسخی به انتظاراتی که انقلاب در جامعه به وجود آورده و جنگ، پوششی بر بروز آنها گذاشته بود، داده شود.

در مجموع، برنامه اول توانست علاوه بر رونق‌بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی به بعضی از اهداف آن از جمله ایجاد تحرک در سرمایه‌گذاری، تولید، اشتغال و تأمین رشد متوسط سالیانه ۶/۰۶ درصد در تولید ناخالص داخلی نیز دست یابد. اجرای این برنامه

همچنین در افزایش قابل توجه پوشش آموزش و پرورش و بهداشت و درمان نیز مؤثر واقع شد و باعث بهبود نرخ باسوادی و کاهش نرخ مرگ‌ومیر گردید.

پیامدهای سیاست‌های اقتصادی این دوران تأثیرات خود را بر حوزه فرهنگ و تحولات اجتماعی نیز برجای گذارد. پشتیبانی از افزایش تولید و تنوع فرهنگی در عین نگه‌داشت هویت ایرانی-اسلامی، باور به تبادل فرهنگی و اجتماعی، افزایش میزان نوآوری در امور اجتماعی و فرهنگی، گسترش فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در چارچوب نهادهای نوین و مخالفت با انحصار آن در نهادهای سنتی جامعه را می‌توان به‌منزله برجسته‌ترین تأثیرات اجتماعی و فرهنگی گفتمان اقتصاد آزاد نام برد (مرتجی، ۱۳۷۸: ۲۰۱).

برنامه تعدیل اقتصادی همچنین زمینه را برای رشد طبقه جدید متوسط اقتصادی و تغییر برخی نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی نسبت به دهه اول انقلاب در جامعه نیز فراهم آورد. پذیرش عقلانیت مدرن به‌جای ایدئولوژی‌گرایی و حق‌مداری به‌جای تکلیف‌مداری دینی را می‌توان از مهم‌ترین مبانی تحول گفتمانی جامعه به‌خصوص در میان نخبگان و نسل جوان دانست (نواختی‌مقدم و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۱۲۵-۱۲۶).

مسائل فوق‌الذکر که زمینه‌های سیاسی-اجتماعی-فرهنگی حاکم بر دوره تاریخی متن رمان اشکانه هستند، از عوامل تعیین‌کننده در شکل‌گیری گفتمان این رمان می‌باشند. در پاره‌گفتارهای زیر از متن رمان، بازتولید بخشی از این گزاره‌های گفتمان سازندگی را شاهد هستیم.

- «گوش کن امیر! دیروز، صاحبان صنایع بزرگ با رئیس‌جمهوری ملاقات داشتند. بحث روی توسعه اقتصادی بود و کارهایی که باید انجام شود. دولت قرار است بخشی از صنایع و معادن را به بخش خصوصی واگذار کند» (حسن بیگی، ۱۳۹۶: ۵۶).

- «امیر نشست. شعبانی ایستاده افزود: «تو و دوستانت نمی‌توانید با ایده‌آل‌هایتان زندگی کنید. چند سال است که جنگ تمام‌شده و با پایان هر جنگی، همه رزمندگان

برمی‌گردند به خانه‌هایشان. بعد، دوران سازندگی شروع می‌شود. برای دوران سازندگی دولت به پول احتیاج دارد. به پول امثال من و به اراده و ایمان قوی امثال تو. برای سازندگی، باید پول هم داشت. اگر دلسوز کشور هستی، ... ناچاری کمی اغماض کنی. به قول رییس‌جمهور، خودت را کمی تعدیل کنی. یادت باشد که با دگماتیسم، نمی‌شود مدیریت کرد بعد اسمش را گذاشت ایمان و تقوی و... رییس‌جمهور می‌خواهد اقتصاد جامعه رشد کند. قدرت اقتصادی نمی‌تواند در دست‌های کوچک دولت باشد. به همین دلیل دولت می‌خواهد پای مردم را به میان بکشد. مردم یعنی کسانی که پول دارند. با این حساب می‌بینی باز قدرت اقتصادی به دست ثروتمندها می‌افتد» (همان: ۶۰).

طبق گزارش مستندات برنامه دوم، برنامه اول با وجود دستیابی به برخی از اهداف در ایجاد بسترهای قانونی متناسب با سیاست‌های راهبردی اعلام‌شده خود موفق نبود و این ناهماهنگی از جمله محدودیت‌ها و موانع اصلی عملکرد در این دوره را شکل داد؛ به طوری که استراتژی خصوصی‌سازی شرکت‌های دولتی و سیاست آزادسازی ارز و از طرف دیگر، فشار تقاضای وارداتی موجب کاهش ذخایر ارزی کشور و انباشت وام خارجی گردید. این مسأله تورم قیمت‌ها را در یکی دو سال آخر برنامه اول پدید آورد (کردزاده کرمانی، ۱۳۸۰: ۹۴).

تحت تأثیر این عوامل، سیاست‌های اقتصادی دوره اول سازندگی مورد نقد جدی صاحب‌نظران و رقبای گفتمانی قرار گرفت. در این میان، دگرگفتمانی راست مدرن یعنی گفتمان چپ ارزش‌مدار بیش از همه به طرح انتقادات علیه سیاست‌های اقتصادی دولت سازندگی اقدام نمود. گفتمان چپ ارزش‌مدار که از آن به‌عنوان چپ مذهبی و جریان خط‌امام یاد می‌شود، نخستین خرده‌گفتمان برآمده از دل نظام جمهوری اسلامی است. شرایط برآمده از انقلاب اسلامی، جنگ و بالاگیری شعارهای سوسیالیستی و کمونیستی به‌واسطه نیرومندی گفتمان چپ در پهنه بین‌المللی، به‌گونه‌ای ویژه، هژمونی‌یابی چنین گفتمانی را در فاصله سال‌های ۱۳۶۰-۱۳۶۸ ناگزیر می‌کرد (قوچانی، ۱۳۸۵: ۸۹).

چپ اسلامی در این فضا از گونه‌ای سوسیالیسم اسلامی هواخواهی می‌کرد که در آن دولت، اقتصاد را زیر کنترل خود داشت و بر عدالت اجتماعی، مبارزه با اشرافی‌گری، مبارزه با احتکار و دلال‌بازی تأکید ویژه‌ای داشت (صفاریان و معتمد دزفولی، ۱۳۸۷: ۱۱۱-۱۱۲). تلاش این گفتمان در راستای عدالت اجتماعی، نه استوار بر تواناسازی طبقات پایین که بر مبنای ناتوان‌سازی طبقات بالابود. در پهنه اجتماعی و فرهنگی نیز گفتمان مذکور، بر نشانه‌هایی چون بایستگی پاسداشت قواعد شرعی، ضرورت پیروی از رهبری و ولایت‌فقیه، تحمیل ایدئولوژی فراگیر اسلامی و انقلابی، دولتی کردن پهنه‌های اجتماعی و فرهنگی، نظارت بر فرآورده‌های فرهنگی و هنری و باورنداشتن به تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی تأکید داشت (ایزدی و رضایی‌پناه، ۱۳۹۲: ۵۷).

باور به این دال‌های ایدئولوژیک، گفتمان چپ را به یکی از اصلی‌ترین منتقدان تحولات گفتمان سازندگی تبدیل نمود. در این میان، مهم‌ترین ایراد وارده به گفتمان سازندگی از سوی جریان چپ، عدم توجه به مؤلفه عدالت است. به نظر آنها، مبانی ایدئولوژیکی که موجب حضور گسترده مردم در انقلاب گردید، ماهیت عدالت‌جویی و بسط عدالت فردی و اجتماعی و جلوگیری از ظلم و جور بود. رهبر انقلاب، امام خمینی (ره)، نیز مصادیق عینی عدالت را مورد تأکید قرار داده و آنها را زمینه‌ساز حکومت اسلامی و به نفع توده مردم می‌دانست.

گفتمان چپ سنتی نیز بعد از هژمونی، با در دست گرفتن روند امور کشور، سامانه اقتصادی‌اش را به گرد مفهوم عدالت اجتماعی سامان داده است؛ اما در دوره سازندگی، عدالت اجتماعی بزرگ‌ترین عنصر و دال خالی حوزه گفتمانی توسعه اقتصادی به شمار می‌آید که موجب مشکلات اجتماعی نظیر نابرابری اجتماعی و شکاف طبقاتی گردیده است (همان: ۶۹).

گفتمان چپ بر این مهم نیز تأکید داشت که برنامه اقتصادی معطوف به رشد و متکی به بازار آزاد، ناهنجاری‌هایی مانند تورم، تخطی از قوانین، افزایش مفسد

اقتصادی، رشد دلایسم و رشوه را موجب شده است. در ادامه برخی از این مؤلفه‌های موردانتقاد گفتمان ارزش‌مدار نسبت به برنامه‌های دوران سازندگی در رمان اشکانه نمایانده می‌شود.

- «آقای روشنی گفت: «کشور به ساخت‌وساز نیاز دارد. برای آبادکردن خرابی‌ها و خدمت به مردم مستضعف، چاره‌ای نیست جز این که برخی قوانین دست و پاگیر را کنار بگذاریم» (حسن‌بیگی، ۱۳۹۶: ۲۴)؛ نوکیسه‌هایی هستند که با دلّال‌بازی ثروت‌هایشان از پارو بالا می‌رود. آن وقت من باید برای داروی یک جانباز جنگ، توی ناصرخسرو با هر کس و ناکسی، سروکله بزنم که چی؟ که یک جانباز جنگ که همه می‌گویند از افتخارات این ملت است، چند روزی بیشتر زنده بماند و جمع‌شدن ثروت‌های بادآورده را ببیند (همان: ۵۸)؛ شعبانی به‌طرف امیر آمد و مقابلش ایستاد: «گوش کن امیر! خوب شد ناصرخسرو را دیدی. حتی ناصرخسروهای دیگر را باید ببینی. خواهی دید مردم چه وضعیتی دارند و اقتصاد کشور چگونه به سمت یک دلّایسم پیش می‌رود» (همان: ۵۹)؛ «من می‌خواهم سهم تو را مشخص کنم. اگر نخواهی این مسائل را بفهمی و آینده‌نگری کنی، با این تورمی که بیداد می‌کند، اگر از گرسنگی نمیری، هنر کرده‌ای» (همان: ۶۱)؛ اشکانه دلش می‌خواست می‌گفت: سید جان! سهم تو از بیت‌المال ته کشیده است؛ و یا می‌گفت: شنیده‌ام فلان حاجیه‌خانم با یک فروند هواپیمای دربستی شب جمعه را به سوریه رفته است برای زیارت. آن وقت افسانه با دو بچه یتیمش... تراژدی بزرگ زندگی افسانه، اشکانه را شدیداً تحت تأثیر قرارداد؛ و اوج آنها چیزی بود که اشکانه اسم آن را گذاشته بود تراژدی عدالت!» (همان: ۹۸، ۱۰۰)

یکی از مهم‌ترین مفاهیم مورد تأکید نویسنده در گفتمان رمان اشکانه آن‌گونه که در پاره‌گفتارهای بالا نیز شاهد هستیم، مفهوم «عدالت» است. «اشخاص داستانی رمان غالباً عدالت خواهند؛ از ضعیفان جانب‌داری می‌کنند و می‌خواهند جامعه‌ای آرمانی، تهی از بیماری، فقر و بی‌عدالتی بسازند» (دستغیب، ۱۳۸۶: ۷۱۷).

در کنار این نشانه، نشانه‌های دیگری نیز در گفتمان این پاره‌گفتارها مفصل‌بندی شده که از جمله آنها می‌توان به برجسته‌سازی پیامدهای منفی سیاست‌های اقتصادی گفتمان سازندگی اشاره نمود. کاربرد واژگانی چون «نوکیسه، دلال‌بازی و دلالیسم» در عبارات بالا مصداقی از همین نوع برجسته‌سازی‌هاست.

حسن‌بینی با استفاده از این واژگان و تحت تأثیر «ایدئولوژی ارزش‌مدار که دگرگفتمانی خود را که عمدتاً جناح‌های حامی طبقات متوسط و بالای جامعه می‌دانست، دلال، مرفهین بی‌درد، انگل طاغوتی، محترک می‌نامید» (زیباکلام، ۱۳۸۲: ۳۱)؛ سعی دارد ارزشیابی منفی خود را از برنامه تعدیل اقتصادی و تبعات اجتماعی و فرهنگی این برنامه در گفتمان رمان وضوح بخشد.

به‌زعم منتقدان، اتخاذ سیاست خصوصی‌سازی، همچنین تغییرات ارزشی و فرهنگی و گسست از آرمان‌های اولیه انقلاب را نیز در پی داشت. یکی از این تغییرات رواج تجمل‌گرایی و نیز تبدیل‌شدن ثروت به یک ارزش اجتماعی در جامعه بود. «منتقدان فرهنگی سیاست‌های دولت اول سازندگی با اشاره به این‌که یک هجوم فرهنگی سازمان‌دهی شده، علیه ارزش‌های انقلاب وجود دارد، مسئولان را متهم می‌کردند که این موضوع را جدی نمی‌گیرند و برای آن چاره‌اندیشی مناسب ندارند. استعفای آقای خاتمی از وزارت ارشاد و خروج وی از دولت اول سازندگی تحت همین فشارها از سوی جریان‌ات و گروه‌های منتقد سیاست فرهنگی صورت گرفت» (فاضلی و کردونی، ۱۳۸۷: ۱۵۴).

- «امروز خیلی از کسانی که تا دیروز، فقر و ناداری را یک ارزش می‌دانستند و توی محل کار و زندگی‌شان روی موکت می‌نشستند، به میز و صندلی و مبل‌های کمتر از چند میلیون رضایت نمی‌دهند. همین آقایان مسئولان کشور، بیشترشان در قبل از انقلاب یک ژبان فکسنی نداشتند، اما امروز بین با چه اتومبیل‌هایی توی خیابان ویراژ

می‌دهند. یک روز، داشتن خانه مسکونی در بالای شهر تهران ضد ارزش و نشانه طاغوت بود؛ اما حالا خانه کدام یکی از آقایان ... پایین شهر است؟» (حسن بیگی، ۱۳۹۶: ۶۲)

انتقادات گسترده نسبت به نارسایی‌های گفتمان اقتصاد آزاد و برنامه تعدیل اقتصادی در نهایت موجب تغییر سیاست تعدیل و اتخاذ سیاست‌های تثبیت در برنامه دوم توسعه گردید. در آغاز برنامه دوم نیز با توجه به نقایص برنامه اول، بار دیگر رهبر انقلاب طی دستورالعملی بر عوامل زیر تأکید کرد: رعایت عدالت اجتماعی، اولویت دادن به ارزش‌های انقلابی در عرضه منابع برای گسترش تولیدات داخلی، تأمین نیازهای اساسی، اصلاح نظام اداری و قضایی، جهت دادن کلیه فعالیت‌های اجرایی به سمت رشد معنویت و فضیلت اخلاقی، توجه به مشارکت مردم (فوزی تویسرکانی، ۱۳۸۴: ۲/۲۶۷)؛ اما علی‌رغم این توصیه‌ها برنامه دوم از جهت ساختاری و ماهیت، تفاوتی با برنامه اول نداشت.

در این برنامه نیز رشد و توسعه اقتصادی به عنوان اصلی‌ترین هدف در نظر گرفته شد و با مقوله عدالت اجتماعی، در عمل، حاشیه‌ای برخوردار شد. سیاست‌گذاران بر این عقیده بودند که در صورت رشد درآمد ملی می‌توان با استفاده از سیاست‌های توزیع مجدد درآمد از جمله سیاست‌های مالیاتی، به منطقی کردن توزیع رشد بین اقشار مختلف اجتماعی اقدام کرد که البته چنین اتفاقی نیفتاد. علاوه بر آن، سیاست‌های تعدیل اقتصادی باعث تورم زیاد و پرنوسانی در جامعه شد که این تورم، نابرابری در توزیع ثروت، درآمد و فشار اقتصادی بر اقشار کم‌درآمد را تشدید نمود (امیراحمدی، ۱۳۷۴: ۹۴-۱۰۵)؛ که با انتقاداتی جدی مواجه شد. «سیاست‌های غلط اقتصادی و به وجود آمدن یک طبقه جدید که بخش عظیمی از سرمایه اقتصادی را در انحصار خود گرفت، متأسفانه برنامه‌ریزان کشور هنوز نتوانسته‌اند استراتژی مشخصی ارائه کنند.

ما هنوز از داشتن یک برنامه ثابت، مشخص و بلندمدت در زمینه تثبیت و تعدیل اقتصادی محروم هستیم. ... در واگذاری شرکت‌های دولتی، عامه مردم سهم نبوده‌اند و

برخی کارهای پردرآمد به مرتب‌ترین یا دست‌اندرکاران آنها واگذار شده است» (ری‌شهری، ۱۳۷۵: ۴). نظر به بروز چنین مشکلاتی، برخی تحلیلگران معتقدند خصوصی‌سازی در دوره‌ی سازندگی نه تنها باعث ایجاد رشد صنعتی نشد بلکه یک نوع «شخصی‌کردن» بود و نه «خصوصی‌کردن» (حسینیان، ۱۳۷۵: ۱۷).

نتیجه‌گیری

تحلیل داده‌های پژوهش و یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی متن در سطوح مختلف رمان اشکانه نشان می‌دهد که تجربه‌ی نویسنده آن از جهان اجتماعی بر مبنای گفتمانی انتقادی استوار است. بررسی متن در سطح توصیف آشکار سازد که در این اثر با توجه به رابطه‌ی دوسویه زبان و ساختار کلان، زبان کارکرد ایدئولوژیک یافته است؛ به‌گونه‌ای که تقابل‌ها و تعارض‌های گفتمانی و ایدئولوژیک خود را در ابزارهای زبان‌شناختی چون واژگان و نحو متن نمایان ساخته است.

گزینش و طرح‌های طبقه‌بندی واژگان علاوه بر این که نمایانگر تقابل‌های ایدئولوژیک رمزگذاری شده در اثر است، در تبیین ایدئولوژی نویسنده نیز دخیل بوده‌اند. نحو ایدئولوژیک در این گفتمان بیانگر باور قطعی نویسنده نسبت به موضوع‌هایی است که مطرح کرده است. از این نظر، کاربرد جمله‌های با وجه خبری و افعال مثبت و معلوم که حکمی قطعی را بیان می‌کنند، بیش از دیگر انواع وجوه فعل است که این یک ساخت گفتمانی هدفمند به شمار می‌رود. ساختارهای اجتماعی دوره‌ی تاریخی متن اثر نیز به‌خوبی در طول داستان بازتولید شده است.

در همین راستا، باید افزود، نویسنده رمان اشکانه در انتخاب شخصیت‌های داستان و هویت‌سازی آنها نیز به‌گونه‌ای هدفمند عمل کرده است. شخصیت‌ها به‌خصوص شخصیت‌های محوری داستان با کنش‌های معنادار خود در طول اثر، ساختار اجتماعی را

به نمایش درمی‌آورند و علاوه بر تثبیت جایگاه خود به‌عنوان مشارکین اجتماعی گفتمان، نظام‌های ارزشی و دانش زمینه‌ای را نیز به‌خوبی منتقل می‌سازند. در بخش تبیین، گفتمان رمان اشکانه را می‌توان به‌عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت دانست. نویسنده رمان مذکور با استفاده از راهبرد دیگرنمودی منفی در مقایسه دگرگونی‌های دوره سازندگی نسبت به دوره پیشین و همچنین برجسته‌سازی پیامدهای منفی سیاست‌های حاکم بر دوره سازندگی در حوزه‌های مختلف فرهنگی-اجتماعی-اقتصادی همچون غفلت و فاصله‌گیری از آرمان‌های متعالی انقلاب، کم‌رنگ‌شدن نسبی بحث عدالت اجتماعی، افزایش تعارضات طبقاتی و فرهنگی، افزایش مفسد اقتصادی در روند برنامه‌های تعدیل و خصوصی‌سازی سعی بر به حاشیه‌راندن گفتمان سازندگی دارد. این فرآیند، قطبی‌سازی و تضعیف روابط قدرت موجود در لایه‌های ساختار اجتماعی را نیز به دنبال داشته است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. قرآن کریم (۱۳۹۴)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران، پیام عدالت.
۲. آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۴)، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، علمی و فرهنگی.
۳. حسن‌بیگی، ابراهیم (۱۳۹۶)، اشکانه، چاپ نهم، تهران، قدیانی.
۴. دستغیب، عبدالعلی (۱۳۸۶)، از دریچه نقد، به کوشش علیرضا قوجه‌زاده، جلد ۱، تهران، مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران.
۵. زیباکلام، صادق (۱۳۸۲)، وداع با دوم خرداد، تهران، روزنه.
۶. سلطانی، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، قدرت، گفتمان و زبان، تهران، نی.

۷. سنگری، محمدرضا (۱۳۸۹)، ادبیات دفاع مقدس، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۸. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۵)، تجزیه و تحلیل نشانه-معناشناختی گفتمان، تهران، سمت.
۹. صفاریان، غلامعلی و فرامرز معتمد دزفولی (۱۳۸۷)، سقوط دولت بازرگان، تهران، قلم.
۱۰. فارسون، سمیح و مهرداد مشایخی (۱۳۷۹)، فرهنگ سیاسی در دوره جمهوری اسلامی ایران، ترجمه معصومه خالقی، تهران، باز.
۱۱. فاوُلر، راجر (۱۳۹۵)، سبک و زبان در نقد ادبی، ترجمه مریم مشرف، تهران، سخن.
۱۲. فرخزاد، فروغ (۱۳۷۶)، دیوان اشعار، چاپ پنجم، تهران، مروارید.
۱۳. فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۴. فوزی‌تویسرکانی، یحیی (۱۳۸۴)، تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۸۰-۱۳۵۷)، جلد ۲، تهران، عروج.
۱۵. قوچانی، محمد (۱۳۸۵)، پدرخوانده و راست‌های جوان: افول اصلاح‌طلبان و ظهور اصول‌گرایان، چاپ دوم، تهران، سرایی.
۱۶. کردزاده کرمانی، محمد (۱۳۸۰)، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ه.ق)، بحارالانوار، جلد ۶۵، بیروت، الوفاء.
۱۸. مرتجی، حجت (۱۳۷۸)، جناح‌های سیاسی در ایران امروز، تهران، روزگار.

۱۹. میرعابدینی، حسن (۱۳۹۶)، صدسال داستان‌نویسی ایران، جلد ۳ و ۴، چاپ ششم، تهران، چشمه.

۲۰. نظری، علی‌اشرف (۱۳۸۷)، گفتمان هویت و انقلاب اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

ب) مقالات

۱. آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۶)، «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، ادب پژوهی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۷-۲۷.

۲. امیراحمدی، هوشنگ (۱۳۷۴)، «ارزیابی عملکرد برنامه اول و چالش‌های برنامه دوم»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۱ و ۹۲، صص ۹۴-۱۰۵.

۳. ایزدی، رجب و امیر رضایی‌پناه (۱۳۹۲)، «مبانی اجتماعی و اقتصادی تحوّل در گفتمان جمهوری اسلامی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، سال ۴، شماره ۱۰، صص ۴۷-۷۴.

۴. خرمشاد، محمّدباقر و جواد جمالی (۱۳۹۷)، «امر سیاسی و گفتمان‌های سیاسی در ایران بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۹۲-۱۳۵۷)»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۵، شماره ۵۴، صص ۱۶۵-۱۸۴.

۵. شعیری، حمیدرضا (۱۳۸۸)، «مبانی نظری تحلیل گفتمان رویکرد نشانه-معناشناختی»، پژوهشنامه فرهنگستان هنر، دوره ۱، شماره ۱۲، صص ۵۴-۷۲.

۶. فاضلی، نعمت‌الله و روزبه کردونی (۱۳۸۷)، «رفاه و گفتمان سازندگی»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۱۵، شماره ۴۱، صص ۱۲۵-۱۶۱.

۷. مدنی، سعید و فریبا نظری (۱۳۸۶)، «بررسی تأثیر گفتمان رسمی بر روایت زنان از جنگ ایران و عراق»، پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال ۱، شماره ۴، صص ۱۲۵-۱۴۹.
۸. نواختی‌مقدم، امین و امیر رضائی‌پناه (۱۳۹۲)، «بسترهای اقتصادی گفتمان‌های چیره در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال ۵، شماره ۱۹، صص ۱۱۳-۱۴۴.

پایان‌نامه‌ها

۱. دست‌خسگ، علی (۱۳۹۲)، تحلیل گفتمانی رمان‌های اسماعیل فصیح و محمدرضا کاتب، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی حسینعلی قبادی، دانشگاه تربیت مدرس.
۲. رخنیه، نوال (۱۳۹۵)، تحلیل گفتمان انتقادی ده رمان نوجوان در حوزه دفاع مقدس (براساس نظریه نورمن فرکلاف)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدرضا صرفی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۳. رضانی‌سربندی، نسیمه (۱۳۹۶)، سبک‌شناسی رمان‌های ابراهیم حسن‌بیگی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی مهین‌دخت فرخ‌نیا، دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۴. مهرآقا، سودابه (۱۳۹۲)، مطالعه مقایسه‌ای نقش زن در ادبیات داستانی دفاع مقدس سه دهه پس از انقلاب اسلامی با تکیه بر نه رمان این دوره، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محمدرضا موحدی، دانشگاه قم.

روزنامه‌ها

۱. حسینیان، روح‌الله (بهمن ۱۳۷۵)، بدون عنوان. صبح امروز، شماره ۶۶، ص ۱۷.
۲. ری‌شهری، محمد (۸ بهمن ۱۳۷۵)، بدون عنوان، کار و کارگر، ص ۴.

Reference List in English

Books

- The Holy Quran (2015). *Translated by Mehdi Elahi Ghomshei*, Tehran, Payame Edalat. [in Arabic-Persian]
- Aghagolzadeh, F. (2015). *Critical Discourse Analysis*, Tehran, Scientific and Cultural. [in Persian]
- Dastghib, A. (2007). *From the point of view of criticism*, by Alireza Ghoojehzadeh, Volume 1, Tehran, Iran Book and Literature House. [in Persian]
- Fairclough, N. (2000). *Critical Analysis of Discourse*, translated by Fatemeh Shayestehpiran and others, Tehran, Center for Media Studies and Research. [in Persian]
- Farrokhzad, Forough (1997), *Divan of Poems*, Fifth Edition, Tehran, Morwarid. [in Persian]
- Farson, S., & Meshaikehi, M. (2000). *Political Culture in the Period of the Islamic Republic of Iran*, translated by Masoumeh Khaleghi, Tehran, Baz. [in Persian]
- Fawzi Tuyserkani, Y. (2005). *Political and Social Developments after the Islamic Revolution of Iran (1978-2001)*, Volume 2, Tehran, Orouj. [in Persian]
- Fowler, R. (2016). *Style and Language in Literary Criticism*, translated by Maryam Musharraf, Tehran, Sokhan. [in Persian]
- Hassanbeigi, E. (2017). *Ashkaneh*, ninth edition, Tehran, ghadyani . [in Persian]
- Kordzadeh Kermani, M. (2001). *Political Economy of the Islamic Republic of Iran*, Tehran, Bureau of Political and International Studies. [in Persian]
- Majlesi, M. B. (1982). *Bihar al-Anwar*, volume 65, Beirut, Al-Wafa. [in Arabic]
- Mir Abedini, H. (2017). *One Hundred Years of Iranian Fiction*, Volumes 3 and 4, Sixth Edition, Tehran, Cheshmeh. [in Persian]
- Mortaji, H. (1999). *Political Factions in Iran Today*, Tehran, Roozegar.
- Nazari, A. A. (2007). *Identity Discourse and the Islamic Revolution of Iran*, Tehran, Islamic Revolution Documentation Center. [in Persian]
- Quchani, M. (2016). *The Godfather and Young Rightists: The Decline of Reformists and the Rise of Fundamentalists*, Second Edition, Tehran, Saraei. [in Persian]
- Saffarian, G. A., & Motamed Dezfuli, F. (2008). *The Fall of the Bazargan Government*, Tehran, Qalam. [in Persian]

- Sangari, M. R. (2009). *The Literature of Holy Defence*, Tehran, Foundation for the Preservation and Publication of Sacred Defense Works and Values. [in Persian]
- Shairi, H. (2006). *Analyse semiotique du discours*, Tehran, The Center for Studying and Compling University Books in Humanities (SAMT). [in Persian]
- Soltani, A. A. (2005). *Power, Discourse and Language*, Tehran, Ney. [in Persian]
- Zibakalam, S. (2003). *Farewell to the 2nd of Khordad*, Tehran, Rozaneh. [in Persian]

Journals

- Agha Golzadeh, F. (2007). Critical Discourse Analysis and Literature. *Journal of Adab Pazhuhi*, 1(1), 17-27. [in Persian]
- Amir Ahmadi, H. (2014). Evaluation of the performance of the first plan and the challenges of the second plan, *Political & Economic Ettelaat*, 91-92, 105-94. [in Persian]
- Fazeli, N., & kardouni, R. (2008). Social Welfare and the Development Discourse of Iranian State in 1368-1376. *Social Sciences*, 15(41), 125-161.. [in Persian]
- Izadi, R., & Rezai Panah, A. (2014). The Social and Political Bases of Evolution in the Hegemonic Political Discourses of the Islamic Republic of Iran. *Contemporary Political Studies*, 4(10), 47-74. [in Persian]
- Khorramshad, M. B., & Jamali J. (2019). Politics and Political Discourses in Iran Following the Islamic Revolution (1979-2014), *Scientific Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, 15(54), 165-184. [in Persian]
- Nawakhti-Moghaddam, A., & Rezaei-Panah, A. (2013). Economic Contexts of Dominant Discourses in the Islamic Republic of Iran, *Quarterly Journal of Political Studies*, 5(19), 113-144. [in Persian]
- Madani, S. & Nazari, F. (2008). Research on the impression of formal discourse on women's narration of the Iran-Iraq war, *Journal of Sociological Researches*, 1(4), 125-149. [in Persian]
- Shairi, H. R. (200³). Theoretical Fundamentals of Discourse Analysis; Semiotic Approach, *Research journal of the Iranian Academy of Arts*, 1(12), 54-72. [in Persian]

Thesis

- Dastkhoshg, A. (2012), "Discourse Analysis of Ismail Fasih and Mohammad Reza Katb's Novels", Master's Degree, Tarbiat Modares University. [in Persian]

Rakhnieh, N. (2015), "Critical Discourse Analysis of Ten Teenage Novels in the Field of Sacred Defense (Based on Norman Fairclough's Theory)", Master's Degree, Shahid Bahonar University of Kerman. [in Persian]

Ramezani Sarbandi, N. (2016), "Stylistology of Ebrahim Hasanbeigi's novels", Master's degree, Shahid Bahonar University of Kerman. [in Persian]

Mehr Agha, S. (2012), "Comparative study of the role of women in the fiction of holy defense three decades after the Islamic Revolution based on nine novels of this period", Master's degree, University of Qom. [in Persian]

Newspapers

Hosseinian, R. (1997 Jan).Untitled . Sobhe-emrooz, 66,17. [in Persian]

Rayshahri, M. (1997 Jan. 27).Untitled. Karvakaregar, 4. [in Persian]

